

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل اردلان
روزهای دوشنبه منتشر میشود

کوشش نامتنتی

دوشنبه ۲ اردیبهشت ۱۳۲۵
۱۹ جمادی الاول ۱۳۶۵
۲۲ آوریل ۱۹۴۶
روزنامه هجرت دوشنبه روز مجسمتی بسکی ندارد

اشتماء گذشته

نگار می شود

سازمانی که در چند روز اخیر از اطراف سفر و دیوار برهه تهران رسیده است شکایت می کند که فزونی مجبور فزونی به تعداد روزنامه های زیاد و نامنابت که در نقاط مختلف و پادگان های آن مطلق تیرگر بانه در شهر و اطراف مغلظ است کماتانی تهیه دیده و کمال خود را با عزز کرده خطر حمله احتمالی آماده نموده اند . این امر موجب شده که آقای بارزانی هاربرسب دستور زمامداران کردستان شمالی و همگه سیرا را که معن اقامت نمود رشید خان قادر خان زاده از است توفیق نموده آ با هم مراتب دقیق اطلاع داشته اند .

محمد علی فیضی باعهده ای سوار و یادم اشعار کلیه ای چندی است پس به یاد شایر شده و فسلاد در آن جا اقامت دارد .

دوستان ایلی تلکویی مثلث فعالیت برای جمع آوری سوار و تنگبکی هستند که بتواند نظامی بی پیوندند .

گروهی دیگر زمامداری که سرخورد نظامی نسبت کردستان جنوبی را در دست دارند این است که چپیه ای از مشایر مارشال تشکیل داده و مانند افواز گذشته آنها را « پیش جنگ » قرار دهند .

مالین فکر که مشایر با مسلح کننده تا اگر کلیه اقلاتی ، از وجود آنها به نفع دولت استفاده شود ، قابل اطمینان باشند حاشی نی بیخ زیرا اولاً سولام لویست روایت این تاجه اندازه مستعد و ماهر است که صورتت فروع مختلفت کردنی نمایر میباشند .

شایر بصورت آدموگی زبان برای جنگ دیده بنظر میرسد که بتواند درصفت اول مقاومت نماید .

تا آنجا در صورتیکه تاب مقاومت نیاورند ، باید حساب کرد که عسکری اصل شکست آنها در افران مقامی به میزان ترارول و وحشت ایجاد خواهد نمود و نتیجه آن چه خواهد شد ؟

و میگردیم از نذر کلمات دیگر از قبیل هزینه آن برای دولت اختلافات موجود بین سرپرست های این مشایر ایجاد مصیبت هراس می مردم ؛ برانگیزند و نتیجه آن نظام آن کرد شالی وغیره خواهد بود .

امروز شبا ، پادگان پول واصله و مشایر با بیکاری دعوت میکنند مردم را از خانه و زندگانی خود بیرون راندند از آنها در مضایق وطن می تراشید فردا

در اطراف قرارداد

قرصه و عراق

خود را در دست دیگران و خود را در ملت و خواری دینی امامت انک که بذات خود بود داد .

پس از جنگ بین ایلی اول که بر سر خلافت و عهد و میثاق است که بر سر سبب انبیش نیکت جنبش های متپورانه ای کرد . کشت و کشته شد .

یا زن و چپه و پیر و جوانش تیر باران گردید دشت ها و کوه های سپین عزیز خود را با خون آزادی خود و دشمنانش آبیاری کرد . پیمان فوری بپاره نداد . در حضور ارواح اساطیری لیکن خود همه و پیمان نمود که خود را از ذلت و خواری برهاند .

در خموشی کشتی که از ترکیه به جدا و بنام ایالت موصل به دولت نوزاد هرات ششید شد چون فولی که هر تبه بودعالی گردیدند در آنجا هم بارشایی خود را اظهار و ادعای آزادی ملی نامعانه با پیروان مانده با مهایر و کشت و کشتار به جهانبان اعلام کنند .

وقایع فوق الذکر که در نتیجه غلبان روح آزادی کرد وقوع عظیمت خاک کردستان واقع در مناطق مرزای ترکیه و عراق را منطقه نامتنی شمانیست .

مخولیان ناشروع کوشش برای اینکه احترام و مقصد بودن جنبش های آزادی خواهانه آن ملت را که در فواید خود تیر می و از تصرف داربند از دست نموده ، کردها و در نزد اکثر ماجرا و تعداد نوه و فرزندان عده کردند فریاد آزادی نشان چلرمانیست .

اندرینده قرار دادعالی متفقه میباشد . کردها که در وک مهابشان خون نژاد آریان جریان داروغنی که مهابان آن مدینت جهان را به تکامل امروزه رسانیده دلایل ندارد که متفقه به مشرات و یا فیکری شوند .

اگر حقیقی از آنها سر می زند معرک و صیوب جنگ با باید جنبش نوده تقاضا کرد . هر گاه جنبش انبیش فردی و اجتنابی کرده از ایفای روح بزراد و مظلوم دیده اول فشار اسارت و تنگی است . مگر این است در عصری که حقوقی برای حیوانات قائل شوند نباید انتقار داشت که همه چند ملیونی بشر زیر یوغ ظلمت فرمای اول دیگر بتوانند تحمل کنند . سرخس سر بریده هم لاشه اش را بپوشاند و به زمین پرتاب می کند چگونگی امکان چنین است که یک جامعه درون انسانی در بین غده شدن دست و پا نراند ؟

کوشش برای امداد شش در هر بینه درصه ۷

در این اواخر ، دولت های ترکیه و عراق فراد داری متفقه نودمانه که در مساهد آن مربوط به واقع مرزی دولتی میباشد .

۱ - امداد بحرین
۲ - تحریک مساهد دولتین در حفظ آسایش مرزی
غوانتوگمان میدانته که مناطق مرزی این دو کشور با نژاد کرد مسکن است بنا بر این هر دو طرف با فیکری که مرتکب جرم شده اند عمل در فیکری بشوند سردی اود از کردها خوانده شد ملت کرد ایرانی نژاد که در تحت تاثیر امتدادات مذهبی زبانی یمت به غلای ششانی نبوده ، مقدمات خود را بدست بردارد دینی خود ششانی مهابسرد بخواب غلظت رفته بود سرور اسرارود زیر فشار و باروائی های حاکمان خود که تنها دو نکر ادامه و تیرت تسلط و تحکم خود ، دین دمناسی اظهار دسیه قرار داده بودند یونان به شد ایوشی است و ملک موروثی بر ثروت و جنت آسانی

فراخور حکم سر پیرو هستند اشعار فراموش شده بود هر چند تلکوهی ها نبودند که در جنگهای تلکوهی ۲۰ و جنگهای دوم عمال قبل کشته ها دادند و دستها کشیدند ؛ مگر فراموش شده لغوه هستند افشارچه پایرش . برای آنها ساخت کبیچاره ما ناچار چندی پیمان پناخته شده ، سر گردان و آزار بردند امروز شبا پادشاهی های که به

آنها داده اند ، با سرخ آ آنها پیرو میجوایید که برای کت ، با روسی قوی حاضر نما فوری باشند . آنها چپ حساب کرده اند که این اعراض دیگر تقاضات توارست با روحیه سابق ، ندا کاری کنند ؛

امروز اوضاع منطقه سفر ایجاب میکند که یکی از رجال برکت دست امور کشوری سیاست اجرا در دست داشته باشد . این کار ، کار کلر به رشد است سفرا انبوتون نظار لحاظ شهرت و نظر گردن بخش نامه بلنگه است سیاسی این ناسی شخص کارادن و بزگری را که هر مدینت استانه زاری ، می طلبد بدین استوتفیک این اصول کلی فراموش شده باشد ؛ ناچار باید پیچیز فواید مشایر توفیق جست ؟

ما ، بجای کلیه این اقدامات زمان آور ، همانطور که بارها ذکر کرده ایم ، متفقدیم تنهارا ، و منصرف برادران اقدام در اصلاحات اساسی رفواری است .

و اگر بگویند دولت محالی برای مخرج آن ندارد خواهیم گفت : « از هر نیتی اردو گویی جمع آوری سوار و پیاده عشاری بر دارید و بصرف اصلاحات واقعی برسانید . »
تاجه اندازه این ذکر ات میدوایع خود . . . آینه دوشش خواهد ساخت .

بمناسبت پایان جامعه ملل متفق از ژرف نا.....؟

جره ژرفن چنگ بین اللی اول که در ۲۸ ژوئن ۱۹۱۹ خورشیدی یواکت آزاده سری که از انقلابیون (پوشی) را در واقعیت خراب آورده و دستور اطیش را داد و مومین سفارتش دو شهر (سراوز) مقتول کسیر سرعامش قد آفتاب طیفه میخیزد و کجور که منگکی گردیده که تصور سبیرت (ژ) لانه زبورو (پرسی) سالهای سال چشم زشی به جهانای برسد.

بهر صورت از چهارده اصل ویلسن که پایه و اساس صلح بر روی آن استوار شده بود فقط ماده چهاردهم و آخرین اصل آن بود که به بنک به دل ویلسن و امامان و جنک صومرا طول می کشید و اساس میزود و آینده که سابقا چینه و استولوزیکس آن به چیزهای دیگری میچسبید و از همان روز اول ملوم بود که پایه و اصل محکم و بود و بدست نداد و موضوع دلچسب زبورو.

هر گاه یکی از افاضه جاسه اوله و طرف دولتی مورد حل و معجزه و واقع شود تمام اوضاع دیگر میچسبید و پایه و بنک پاره بود که دولت و مورد تهاجم شایسته و نگذارند به و نامتیب از می و امتثال او است که وارد آید و سال آشوب اخیر حتی برای یک مرتبه بصورت حل در نیامه و در عوض سر به بریند و قاطعی برای اولی و ریالیست و بزرگ شد تا همه وقت بتوانند انکار شیطانی خود را حاصل کرده و تجاوز و واقعی خود صورت چن بجاای دهند.

در هر حال این میخان بیستون آن دکان سالوسی و ربا که به بد ما بنیام چامه ملل نامده شد میخامد توانستند یا نخواستند یا نخواستند حتی برای یک مرتبه هم که به صلح ملل حاضر و ناظر و دروغ جن من شده صلح ملل را منظور و واقع خود را میخیزد و میخیزد و چنده سیاسی دبیای در هم ریخته و خون چکان را با سیانی کند.

در هر حال این جامعه که پیورید که بنیام حتی در سبب و تبران و نخواستند یا نخواستند میمنت و میمنت و تیریه و طی یک جلسه خبررسانی در ۱۶ آردیل چن خورده و با صلح خود سازمان ملل بین ملل متفق و داده اولی به آن هم میمنت و همی از آن هم امصال نظر های عمومی که منجر به یک جنگ بی سابقه و شکرکی شد.

آیا دنیا امروز چن دارد از خود بیترسد که آزار است که جامعه ملل بازمم وجود پیدا کرده ؟

دنیای ایران در فتنه پیش

« روزگار زبیم و مباح جدید شبح هواناک و خوئین »
« مایجیکری » « انزوی های » « بیرون ناآ »
« برای هیبت از این اسبی جهان مورو ناآ »
« کرد که آینه جاسوز و غم مدخله » « نوزان »
« سیاسی » « دنیای نو نه غم زبیا و عالی نیست »
« بلکه اسکان هم ندارد »

در ایران چه میگذرد؟

فقیه ایران که مدتهاست خواب غمش را از چشم مستوران ۱۱ ایران دور کرده هنوز سر مثل نمایای تیره جهانی را تشکیل میدهد.

موضوع اینکه شکایت ایران تا به ما هم در دو شورای ایلی خواهد ماند با غیر احتقانتا ستنه و بربنج و پیچیده شده زیرا کینه کهنه شان از اینکه در طی یک جلسه که پیش از سه ساعت طول کشید شتهای برنگندار می عرضحال ایران و به برای بر علیه آن داد ولی دو جلسه بعد باز موضوع ناتمام و حل کامل نشد به جمله سه (فردا) موکل گردید.

بهر صورت این سوزده جدید که برای خیزد تبلیغاتی سیاسی بعضی از دولت ثغوب شده گوش هر فرد معصوم را در انروزها ما هانت میدهد.

زیرا ما بهتر از دیگران میفهمیم که ایران چه منابع زرخیزی دارن و بیطور دیگران به دشمنای زرخیز ما چشم دوخته اند و ما در اقباله هشتم

سازش ایران و شوروی بصمول نت جنوب طعمه لیبرند و ما حاضرم قرار دادهای دیگری با دولت ایران « به نفع ملی و این مدارک شروع » « لیبود سکر آنکه طبق بیان تمام » « خاک ایران از تیریزی بیگانه باشد » « چون ما منتمسور این خاطر صلح » « و امنیت بود که در موضوع ایران » « مدخله میگردیم برای مسائل مالی » دو لغت.

از این زبش و باصح گفته نازه ای در برابر دولتگان ما آشفته دشمن معلوم میشود که روزهای مستدیگری

یز در انتظار ما است ؟ از تهران

والاس مری که از دوستان اران ایران بود جای خود را به (جروان) که سیاستمدار جوانی است میدهد منت تغییر مسیر آمریکا میگویند بر اثر بیرونی شده او بوده است.

اوتش من پیتر پانگرا و نظایو و اغلب سربازان ایرانی به شاه رو و فریون اهرام گردیده اند هر چه جا بوقه و استایل گرمی جمل آمده است.

هنوز از مذاکراتی که بنایا بود بین هیئت نمایندگان ملت آذربایجان و دولت سرگردی کریم [۳۶ کیلو متری (تهران) شروع شده چیزی نیست ولی که دادید آذربایجان پیام شته دولتی میگردید که اگر نروانه به خوبی سا بود و به پیرینه ما از چنگ هراسی نداریم.

هر شب پیش میکند.

کلادار سادات انگلیسی با داشته به دولت دادمو از مقررات استوارشود و میکنند و دولت طی اعلامیه خود این ادعا را تکذیب میکند.

نظر کلی به رویداد های جهان

شورای امنیت و فتنه آسیای دولت اسکان که ملامح حکومت فرانکو را محکوم نموده بود و وجود رژیم فالاژ را برای صلح بین المللی خطرناک تشخیص میداد یادداشت مجدد به شوراه امنیت تقدیم و تا مشاوره است که که گله دول فراوا خوست روابط خود را با فرانکو عسکار منظر قطع نمایند.

زیرا این حکومت برده ارادمت آسیای تشکیل یافته است.

تسامع شورای امنیت دو این فتنه مثل این که روزهای سال ۱۹۴۰ را که ارتش کیود در غلظت مقدم جبهه و ضد سربازان ولیبرمتن چیکوئی فرانسوی که همه چیز اسباب را تقدیم نالزبیا میگویند از خاطرهای ایران و کرگه امروز که همه سربازهای آن چن برکنه در جبرگه و گنار فریاد میکنند که رژیم فرانکو و خطر فالاژ باید از این بیرون رود و زودتر به این منطق سیاسی ترمیم میگردد.

چیز عجیبی است با اینکه مستر استیونسون هر صراحت میگوید (سطحه حکومت فرانکو باید در اسد بکنرین اوقات از ملت آسیای پس داشته شود) ولی معلوم نیست باوجود این موضوع این طور لایتنس مانده بر صورت معلوم نیست که میخواند بدون برده قیامه واقعی خود را بجهان نشان میدهند باخبر و آ یا بنفروخته آخرین لایتنس را به بر سر پای آن بگویند تا ؟

دلی را خطر گر سنگی تهدید میکنند

هوور دلیس جبهور اسبق امریکا و فرستاده منصوبی ستر ترومن اسبق لفظ مصلحی باز (اعلام خطر) می کند.

هوور میگوید اگر کشورهایی که ما از آن ترس داریم خود گنم دادند به کشورهای کرته آردیا کسک فکنته ملیونما کونک و بیکنک و سراز طلی و زلفن پینوا از بی تیزی و کرستی میبرند.

تسومین تره به دلیا را به آن پهران ووب اد جلب وندهند از هزرت هوور رسوا تماماز کرده اند که او به فتنه های جنوی همسوزان نیاید و بینه فتنه های در آجا با چه شدتی حکم فرمات.

پرویز پشگل ملز کرته به دست ملت غربت آسیا دنیای محروم که پس از سالها جنگ آسیا کسب میسوزد چه متواضع جنگ و آیا نباید ترمیم و دیگران با وجود یک نمایه آ یا دلیا باصح کای غرامه داد ؟

آفتش کفران س جلدیک در وضع فتنه جهان

روز ۲۵ ماه آردیل کفران سربیش وزیر امور خارجه در پاریس (خبر آزاد) تشکیل میشود این کفران س با مشکلات بی اجازه و طاعت فرسایند.

بر است آسیا متواضع به تالیج این ملل کرات خویشین بود با غیر با خود پیش بینی کرد.

و در همان آردیل ووبو در داد که آن حسن نیت پیشری لازم دارد.

آن جلسه صلح انیتالی میسرمان است که تقسیم آن محبت های انی و فتنه پیشی اصلاحات جدیدی در هیئت بود و آجا ملل خود و بی برای بیکنک و باهم این اجمن پرشگی جدید به در مان این همه بیاری موفق میگردد باخبر دلی تا هفته دیگر منتشر بود.

از شمه جیا

انگلیس مقررات مربوط به صلح است.

تعلیمی را که (ترومن) پیشنهاد کرد.

استانلی میکنه.

عصر کنکویا (ژیستی) به دلیا در خصوص اوزانک خودخواه نمودن هیرت هوور پس از ایگت از مصر به بوستان بناد بخارور دور سفارت میکنه.

فنا اساسی جدید فرانسه برای تصویب به آراه عمومی مراجعه بشود.

جلسه عمومی شورای امنیت فردا تشکیل خواهد شد.

فکره و مسئله ایران و فتنه آسیا با مطرح خواهد گردید.

دولت آمریکا در حمایت مقدم در تیروریک برای معصل فاسی سازمان ملل متفق در نظر گرفته است.

سایندگان بریتانیا دو روزهای جدید با کتان در کتیسر سر خواهانند.

و پس از آن مجدداً تقابلت سیاسی خود را بر تو آغاز خواهند کرد.

تاریخ ناظرون
تالیف آقای فریدون نظر
۱۸ جلد
اردلان
ژودی منتشر میشود

خلاصه اخبار کشور

نیافتن بافتار سفید کبیر ضروری در روز پنج شنبه گذشته آقای نصرت وزیر بهداشت سفیر کبیر احمد جاوید ضروری شورای بهداشت وزیر معاری امور خارجه دادند

انتخاب وزیر مختار آقای امیرحسین میرحسین مستوفی معاری ایران او یو کولماری انتخاب شده اند

روزی جناب آقای سردار مستوفی (آف) نوروز است به تهران وارد شده اند

عزیزت آقای شمس ملک آرزو فرماندار کردستان که برای مصالحه به تهران آمده بودند روز شنبه صبح مرگت نمودند

انتصابات آقای پاسار باسلام سینی بیست و یکم اداره کاربرداری دولتی تهران کل و آقای پاسار آملی معاونت کل اداره وادامی و وادعگی منصوب شده اند آقای سلیمان کبیر از طرف وزارت دارایی بیست مدیریت عامل شرکت بلاغی خراسان انتخاب شده اند

عزیزت دکتر مهدی حسایی بیست و یکم رازی زبانی و آقای رضی سید بیست و یکم دارایی منصوب گردیده اند

گروس آقای قاضی شمس پندجه در تهران وزیران تصویب نموده که هیئت مینبار از این جنید برنده استان بنیم کرمانشاه باشد

راجح وزیران انتخابان حکم و وزیران تصویب نموده گمانی که با شش هفته و یا از این بیست و یکم هفته می شود دیگر خدمت دولت با بهره نگردد

انتخاب مهندس امروزی مهندس امیر شوری عالی فرهنگ مهندس اشراق سردار موزی و آقای محمد مسعود آذگارد که مشاوره کل وزارت امور خارجه و از مشاوران عالی وزارت خارجه شده بود به بیان میزان اقدامات برای خدمت تلقی گردید

شمن تبریک موفقیت همکاری محترم و مسیما شوخامی

مهرتی روز پنج شنبه آقای منشیان شهردار تهران آقای دکتر عبدالعزیز دولیان و دستورات عالی آقای نصرت وزیر امور خارجه در تاجیکستان به اشتباه در روسای ادارات تابعه به یهودی اطلاع نمودند

در این موقع که فعالیت بی سابقه ای در شهرداری تهران ایجاد شده است آقای شهر دار و اداره کل به یهودی را به لزوم ایجاد سروسیم برای بازرسی موانع تردد که یکی از آن مکان های بهداشت عمومی است جلب می نمایند

انتصاب آقای سید عبد اللاهی بیانات دولتی کل طه و بان منصوب شدند

پانزده نفر کادر مطبوعات شماره ثان ۴۵۲۰

بشم آقای بومری

از دستنج

داری در

مهر محترم نامه گومتان از خدمت و افتخار بومری که گویا درزمه مومراسی در کشور حکمفرما و زاینده علم آزاد گردیده - هزاران نفر کارکن و عیاله گویا زود در سعادت جرایسه مسکن و تمت خندان و آزادی زبان و علم و باران نعمت نامزا و بی پایان افتاد از جامه نوبتگاه دردمه ها روزانه و میلاد دو جرح گسازد کبرئیت اطلاع نمودم هر سری را سودانی بودم بشعوی که در این گلستان دوربهره مرگت بافت بنشود

به اشتقاق بنده روزنامه روزن که اصطلاحا مملکت خود را حفظ کرده اند - در قبال این همه خیرای زاد آری ای - سید و بی برای این درودهای اجتهاد - درمائی نی نیامی درودها را تشریع ولی دوستم درواست کاسک مانده و حال آنکه باول پیشی ملاسه از ارضی کله (پیشود) در جامه مرتفی مصلح ممدان ندارد بهر حال موضوع بخت مانظیل کارمنه انویسیون در ملاح آن است که در پیکنال اخیر زمزمه آن آغاز گردیده و با اینکه ملاح هر دردی راوری کله (تول کورمندان) گذارده و بهرمانند از این بند تسامد خرابیها برسم خود - مشای حق آنان را افشانه بر بوده سعادت من دانته - مع ارفف هیبت مرگت امرواداری لک

آرامی ازجوع سرداران - هر یک به حد افشای با هر مرفوعی از کبریا کورمندان دست ننگی پانوی آن دراز روزی دارایی شایسته نگار مجلس - بیست دولت هر کدام بنده خود این امر متوجه وهم کدام میزبان منی وضع اول کرده این اشکالند گامی هم درباره کارمندان جمله (اگر یک ماه بی حقوق با گرسنگی بماند چه شود) استعمال شایه مفیدم این باشد که بیکام هم بر سالیان دراز افزوده شود - و موقع جل اولین فرقه بنیاد مسکنان

تاریک برون آمده ناهرمصلح سازمان برسدگان از این امانه و بهر حال بهر بیان هر یکدین کلمات گزیده میلو سرهما بریش گدایان می شنند - اصالحا به سرباست مرفوع بود و راه مملکت باور است

درین طیفان قابل مشافهت اول امروز اکثریت با ترسیدن سایه داران دارو نگار اولان - بر سر کار دست که از پیشه و حرفه و دست کار دست کشیده حقوق قانونی خود را در پی خود بپوشایند که طب سایرین بودند - هر چه زودتر بی ایران خود ملحق شوند امیرجهادیه مشون ملت پیایه و مایه برسد و در میدان را بشکارمندان نفیسی و کاری شکتور بکارمندان که میزنند با کمال وفاء از ثروت و انعمه خود اندام ممشای نماند لیکن پیازده که هر جوانی و دروایی خود را در راه خدمت و رسدات صرف و ماسد از قطع چند برک بود و برسد است و بقدر فاقه ایست چارنده باید که بشکند و در موقع تقابل از کار کنار و بجهم بفرمغی کسی برسد - آنان با غرض دوجای خود مانده اند - ثروت خود بزیانند - پس اگر حقیقتا

بشم آقای موشک هیرای

مطبوعات عصر آتم

دوشاهانه فردوسی و دیگر اسامه های ملی نام سپید چنگ و دیوان نامدار رستم دستان بزرگی و بیگونی داشته تقریبا در خون روز و نیروی جسمی در دوران خود بی نظیر بود کسی تا کنون مافد همین زاده است - شهریاران ایران بوجود این سردار رشید مباحث کرده دشمنان و به ایشان در مقابل چنین شخصیت مشهور و بی باکی سخت بیستک بودند - تا جایکه جنگهای تورانیان بنام ایران خاتمه داده بایستو کشته سران آثارا برشان گریب می داشت - امیرد شعاع یا اسب گریب و غش برامه ای بارش کشور بطور بارش و از کجگاهی میگردد و کسی باوای شورش و نفوذت خرمی را نداشت اینجاست شوخه که نام فرام در شکست خوانده شد چونکه به یک فرد مطلق از اجسام اسن بازسکتت فرد آمده و نقش خوشتر از مراهزانه بازی کرده است در مرحله خدمت سرتیپان است بلکه غیر قابل فولست جنگ ایران کسی تا کنون در رجمت انحصاری بسوی گذشته دو خواهم پیش بوشه نامزد و الا شایر ایران بود در آن هنگام خراس سردار و زواری و جنگل فوی مردانگی از خود کسکی بود پس هر کسی اشکنه ماترادرار بود بجمک احمد جلع خدمت و وفیر و زواری در آفرش میشد

اصول تکامل ماطورک و اسرارها از حال بسوی و توحش و هایدومد ملیت علوم را پذیرفت است - جهان بیست با بنفصیات زمان و مکانی بر سر حرمات اجتماع و دکان و زاهدان با بیست و ستم است و اختیار داشته باشد بوی اولی امر مسلم تعرجی است و گیان - خنجره شیرین توب - خنک و سسک و سسل و توبه ای روزن طیاره و سبکس و روزن طیاره و روزن طیاره و تانک وزره پوش - زلف رفته های و با بالاندر به بالدار و خلاصه با اسی بوجه آمد شوروی که سبک های طیک رشم و افرایاب و کرماسک لب

هیچنین دلآوردیهای اعصاب و منول و آتیک بزرگ باروزن اغلب کفر فرانسه و از کثیر شی تا کنیکه خود را ۱۹۱۴ مقابل انحرافات معلوف تلقی پای پیوسته بوده و مایل مقامه و برابری میباشند و جز در سعادت تاریخ مرموزهای باستانی مورد استفاده اول نیکگرد

منزهات سنگین بر برای دانشمندان با شتر زمین توات از سیره لاجپرا با شتر کبیر ایرو و خوشتر منقبت و گرمترین حرارت روز و زنگه کیلویی برص کار زار آورده مملک اسامیرا برموده مولانا (ع) را حق رومی (ع) اندر روم نیاید (ان خود) میمانند منظور اولی او بر چارمیل و دولت بروردی است با هم این ترتیب اول از سرمایه داران دانه نگان الماس مستعمل شروع نمود حقوق یکی از آنها را برده در فریاده توزیع و مال از او بجزا دولت بریزند و هزاران اشخاص گرسنه را با سعالت عی سر برست سرداران فرامیفرستند و رامن بکده بی چناعت از دستک نمودند تاثیر در اصلاح کفر ندادند

مطبوعات عصر آتم

بپاسی که مدون ترین شاکار علمی جنس دوراست علاوه بر تئیرات فکری و علمی بهترین ایدئولوژی برقیبش برقیبش اولهوا هم میباشند بیستلیه فریضات بیست و بی منی میانه اندیشه های سرمنظر از ارژری انحصاری و کن کبیریش امتیازات و محاسبات در برادره که حقا بپیمان مندمه حیات فزینی و با بشیدماز هم هالتر ممل و روشن سات در سایه علم ودانای پیش می توانه بنام آرزوهای آرزویشکند و پشت تروپسها در لاش و کوشش تا کابوس وخت و هراسی را (بپاسی یا پامه زبانی و صالح و معال تبدیل نباید بدخته اسرائیلی هومو و ارگاد خنوسا گو اینک از یکا کترین زیاد است و باقرات اسامی شسته مینماید در خواب غلت و نداشت هر رنه با کمال خورسوی رسوم نرون وسطی را تمیید نبوده اند

این است تاوید هیوت برزیلی و غرور و طیفه جنسی میادیم برزنی کرد و اول جنگی آله دادم که با این روش و است مایلوب خنجره فوری و کاربازیا بدست لیورده نشسته بر زینه خوش میزند

ارگاد از سالیها پیش تا گون با اراده زمامداران کشور حیدر از خانه علم و هنر باز مانده و در کلبه شتون اشخاصی و سیاسی و فرهنگی تنها از دیگر کاربازیا سیر فوریتر پیشتر میزند اند بلکه بیجهت با دروزان اکبوس و ریشتمند از طریق حاصل نموده اند

رشته نامه نوه لیشان با شتر خود اولین عامل زبونی و طب افادگی بوده و در حقیقت راموننگ که اندک اهالی گردنمند هر چند میاندند دیای ایتیک بر سیرت اما هنوز با شتر و راهی نشدند تا بعد از آنکه روسای گردنی گذشتند و راه ارتقا و بدانش علوم پزشکی سرمنظر از گروهی که در هیوت روشنگر کسب کرد و بعد از آن حقوق فردی و مکانی هستند به خاموشان بنیان کارگران دولتی در کورد خود و آزادی میباشند برزگران و غالب و ریشتمندان برزنی اسپر چنگال امیرستان بکار وادعش شده اند که امیرستان رستگاری ندانند روز و روزی تیرگی بر این حیوانات افزوده میگردد برخی آدمبای در وقت شامهای اقامه و پاسیان و اسف و کارمندان کثوری و جاموسوزان اما اینها بدون رعایت مفادات و قوانین مردان و وجدانی آخرین طفره خون این دوران نیز در فرمانبردار میکنند و رمی جانگدانه اند

فرمان و اورامهجه میکتاورتی رومی و غلام چنگیزخان و خنک تازی تیسور لک حکمفرما و متظانین بشده ترین کبیر میلا خوانده شد در ایستوست بقیه درصفا ۶

ای کوهستان !

دردهی برهنه شکندای له همدرو بود
و دهه موزنگی کورد دردهه هانی
و تو بهی شترینه هانی به پارشو

دازدی ای کوهستان ه دینتیری تو
کوک آسمان میرومات دازدی ای
ایکه سر بلنه ترنج نالی کوهستان
کروستارا نشاط و ترنج خالی بشی
دازدی ای

ای مجبوره طرب انگیزیکه مایه
تلایلی نلوب زندهیدمساکنان حیالی
دازدی ای باودان ری
ای جریده دلکش ای اینک که از
خسرتو ۲۶۵ روز سیری میبود
شبتگان تو بگموهاغان و هوشداران
تو خاطر مبارزات جواسفروان
سوزو گراوایموشن پسرانه انبوتون
از ۲۶۵ سال راهگی و دوخته گیت
و از روز بکنیت و امروز اولژلا گروس
و دهه های سر زمین ماد و درود واهی
فرانوا بر تو روانه میبود
۲۶۵ - برای اینکه تو مستاره
روشان مادی گشته کنان شب تاری
از آفری که از فراز ارتفاعات غم تو
نسیمه گراسی بر مشامتقرین حسرت
که از آسمت که ستمدگان غم
« چنان » مرمغ برانمات خود را
دگه تو سراغ می گریه ای
آزوی آهواوری درد مشکن سمانت
ای شمال نرخ بشی ای هادی گشته کنان
بر تو را بر سر نوردود

مکنایک شاعر کرد ترا دروغ
کوهستان باقی که راهم خسته هوش
توصیف گشت من خست گشته چه
تو همان طبعی زنی که نیام کاروان
طلب افتاده کروستارا موجی و همان
مرغ خوش الهامی که نایب شب بخت
و طلبه انوار خورشیدی را بوییده ای
تا ناک ای شای شله ناپای برم
روشن خست کوهستان زبیرا در آرمیکه
اشه حقیر لای تو چون کسوان
زین هروس آسانیا کله گوشه های
بکنیت ای مصافق نفل کروستان آواروش
تپتیت و اور امیه در دلباس سائین
اینت مسان تپلا مکنه و نوبی
بلکن خوش آفرای تو آرد کوهستان
صلوات کوش مشافان آزادی پسرانته
آجا و در بیان درمادی دلکش و
دوح انگیز کوهستان آجاتیکه مسکن
و تنبیکه مردمان با گل آستری
مشاق خود مدام خورشید و طریقت
اصالی باشی ای نالوس سادک

کوهستان و دلپسته ای که در
دامن هضر آگسین و تنب و نسرز
دروای عطر آگسین تو وزین میگرد
برای دارن گل نلفهای خسان دیار کرد
مزاران باشی از موی مطر آجیز
گلشن آیم در موسم بهار مطیع

مختصری از شرح حال ولی مردان خان قلی

والی لرستان

از غیرتاریخ تا کنون لرستان همیشه
جایگاه نامی و جگم جو کشور بوده
مرداران طایف و مردان شعبا که از
آنها نام برمه مشهور گشته اند بسا
وجود فراموشی در زوایای تاریخ کم
نی باشند

یکی از این اشخاص که شجاعت و
با حرم و گیامت سوم سوده علی مردان
خان قلی والی لرستان میباشد

مشاربه در زمان شاهسلطان
آخرین پادشاه می فرمه سولی در نتیجه
مخالفت برادر کوچکتر خود و تائیت
وزراء و در باربان نام آژوردی که چوچه
انضامی لایق و با کفایت و راه سلطه
قدرت و نفوذ خود میدیده مدتی به
گرمان تبعید و در آنجا زینتای بود

موقع حمله افغانه باران سرک و
آجا باصفهان پانصد آتروزی می مردان
خان خود را از حبس خلاصی نمود و
مسلطه را جمع آوری بر جای جلوس کرد
و دست از آزادی خود برداشتن

در جنگ کلون آباد به سفسنی
اسفهان که در روز یکشنبه پیغام شد
الاول ۱۶۲۵ هجری قمری فوای ایران و
افغانه در گرفت از آید روزن بردمان
مردان جنگ آژوردی و پانصد نفر سواران
مقصود خود در جنگ بجای که نعت
فرماندهی امتداد نمودند فرار داشت
و در دفتر شیروان کل در تمام جنگ
مقصودا تاقت و زناهای غلط و
ششای با پدران عسراء و در جنگ
شرکت نمی نمودند نیز با لباس مردانه
اسلمه جنگی در تمام کارزار پیروی او
بودند

پس از شروع جنگ در مدت کسی
نوی ایران که نقل جنگ ندیده و در
تیجه اسفار باصفهان سالهای ششادی
به تنهایی و یکبارگی سر برده بودند
مقابل سواران وزیدی و جنگ آژوردی
انقلابی شکست خورده و بقرض شپس
اسفهان فرست شدند

علی مردان خان کموش به سختی
مجروح و یک برادرش کشته شده بود
چون وضع از این موقاد بدیهو پیچید
ادامه جنگ امید با انداره هوشمند
کالی مانده بود مردان لرستان بهار
شد و در آنجا بلافاصله شروع به جمع
آوردی قوا و سکاکی با سکاکیو پایات
نموده دستور میدهد که با سوری خود
باو ملحق شوند اما نامی نماند باقی مانده
او طرد و شادو پایتخت را که بعضی
معمور بودند نجات نمودند
سکم ولایات دوهوش تشریک سامی
با والی مزبک افغانه اینکه متفرقی می
نواند قوا را با ملقب نماند

کوهستان با اشراف امدان از
احسانات پاک نکاترند معتر باصفاع
ملاستاند میرسانه که ماله قونستان
بایان حال اول روزنامه نگفتش شمر
و در زین مطالب از اینکه چاپ آنچه
شماره پانزدهم نماند

نظار بک مجله انگلیسی

رواج بسته کرد

روزنامه «روزنامو» که برپای کروی
در بیروت منتشر میبود در شمار ۴۱۲
۷۰۰ خود مطالان از مجله انگلیسی
The New Statesman And
Nation - «انتخاب کرده کنایز ترجمه
آن از سر خوانه سنان بگنجد»
بسیار خوشتر از اینکه فرست
بدست آمده که موضوع کروستان را
مورد بحث قرار دهد

کروده در منطقه ای که ازب طرف
از کوهپایه قفقاز کشیده شده و از طرف
دیگر از اسکندرون تا نران منته است
سکونت دارند این خاکولایانست
تاسیس بک حکومت کرو را بر سر
مشکلات و برای شروع تشریک سامی
دولت های دوست متعلق فریب می آید
ترکیها از کوهزاد فرقت میبرند
اینها نرفت و بجای رسیده که میخوانند
ملک گردوا مع و نابودمانند ترکیها
اچاره میخوانند که کرده زبان خود
تکلم کرده و بقوات و بنیوتسولی باید
حکایت که این قسم مستوجب داد دیگر
امروزه قابل دوام نیست

شکلی که مشتر چریل و مشتر
روزولت شدند اتلاچک رانظلم می
نمودند کروستان را در نظر گرفته بودند
ولی در قرار مالی که داده میفرمان
و لغزش را برپای خود و من حقت
داشته اند ما بیخوام در اینجا
از ظلم و روائی مالی که ترکیها در
حق کرده نموده شد بحث کنیم
میگویم آیا معصیل بک نیز است برای
روسی که شکایات ملی که امروز نیز است
نایدیده ای بیجم لای فرست کسبونی
آرمان خود را دنبال میکند آیا نمی
تواند مسئله کروستان و مسائل شایع
آجا هم طرح و مورد بحث فرماید

صدورتا میفرمان خان سرچی بودند
و علی مردان با مدعاری قوای خود
خواربار رفته و در آنجا بیخامل منتظر
رسیدن قوای سایر ولایات بود
از مدتی قبل لیررها و طوایف
بختاری نفاقت و کمدری مباح بود
و همین موضوع در این موقد مساع
و اتحاد آنها و بیخوش خویشی و
والی گردیده و چنانچه فرای این دو طایفه
با هم متحد میشد برای شکست فرماید
کالی بودند

غلام نمان بختاری به هوش رفتن
به خواربار با زورده زاروسا نمودند
سنتیقا طرف اسفهان رفت و قفلتا
از روی امانه خان مردان فرست امدان
مساعد و با دادن دو هزار تن نفلت
مغلوب و بختاری را بخت میباشند دارد

به علافقدان کوهستان
تبلیغ روزنامه کوهستان
بعهدد علافقدان آوست
امر باین روزنامه علاقه
دارید در آرد یا بیشتر آن
بگوشید

بم آتای محمد فروغ آبتاب که کردستانی

گرد و گردستان سنه اردلان

۱۰۱

حکومت محسوس و خان اردلان مشهور و بتاکام

لیلیای محسوس میگردد.

پس از چند روز پس از فصل تکمیل که در با ساغان پس نظر علی یک کشته گردید که با او ابراهیم یک و اسمیل یک برادرش و سایر کسان اردلان مقابل اغذ جریبه آزاد می گدو برای استانت ابراهیم یک (متسوده) دیه و راغوا استکرای و بنده ازدواج نمود دریاورد.

پس از کشته شدن پسران فعلی یک خانزاده و کلات متوجه شد که اسمیل یک پسر کوچک متصل یک و طیفه دیک پس احمد یک با ده فر دیک را از باب ایشان شایه فراد کرد و همکار دوسرای همرا با غایب میشود خسرو خان میرزا فرج اول وزیر را که دالی گردید متناقب آنها برای جلوگیری از تظلمت ایشان روانه تهران می نماید و کلات بناغانده شاهزاده سیف الملوک شده که کمر بلاعات والی می بندد و شکایت نمودا بوسیله تاج الملوک خان که درج آن کوهزاده و برج آن اخر بود پسر اسمیل یک هایلوی میسرانته با بر این اتمام محاجدهات میرزا فرج اول وزیر در شیر نیر شاهنشاهی از پیش لیامه خروانه و اول سیرده و خراسان نورد و در خراسان میماند در سنه ۱۲۴۵ هجری بمسکوه شاهنشاهی تشریف فرما شد همان خسرو خان والی نیز بزم حبه بوسی همیار همان میگردد طیفه دیک با اسمیل یک نیز با چمی از بی اسمان یوشکوه و سلم از والی می شایته . والی همزمان به پنهان تومان به آبدار. خانه تکمیل بنده شد که شاه آتاپار ابوالی تسلیم یارید متصل بنده که در جود مرطری بودی

عزت و احترام و دافته است در آن هنگام اردوی دولت روسه مخالفت ایران تجاوز نوده چندین ولایت محرمه را در دست آذربایگان شتراف و غوروش و اغلب فرسی در ایران نفوذ فرس در قسمت آذربایگان در کمرده اش بر یک پس محمد زمان یک با چند نفر از اقوام و خوشنواهان خود که از طرز حکومت والی ناخشنود بوده اند مواجده از موع استفاده نموده و شکر روسه ملحق خود در مدد فرس آینه که حسین تلی خان والی را دایه واهم که تازه از حکومت استعفا آید مبرول شده باشد خدمت طلب با بر این ابرو همراغه دریده نماید و با او پیمان میگذراند که در قضاوتها و اجابتها یکدیگر بومس و اسان را در اول ابراهیم یک و فرستوده ادیه که دالی خود والی زاده بسوده مری میکند .

ولی اینست مدعای خود فرمیگویی که فردا شب در منزل اگریه یک جلسه متفق است اگر والی با لیلی میلدور بالا پشت باغ شاه آمریکا سفداره خراسان گوش شده خلیف اسر مستوفی بنواهد شد والی برسد کنار کتاف خلیف خان غایب کرده آنچه باید شود. گوش خروانه شود و نام آنرا خروالات آنها و بدست می آورد آتش کینه برینه که مدتها در زیر خاکستر منور بوده از این داد مشعل شده فرادی هان شب امریگرتاری پسران متصل یک و ساغانا پس نظر علی یک و سایر سیرده یک (متسوده) و سایر کسان و بنی آنها آنها صادر و همه را در فراموشا محسوس وزیر می نماید این حکومت بود که

بانی محسوسای خود تاج الملوک (مادو سیف الملوک) از آنها و مساعدهت همراغه خان امین الملوک آنها یکدیگر بهاسای عمل واد خود را در دست داده خضران را متغولاً تحویل خسرو خان می دهد خسرو خان هم آنها را بولایت آورده و مبلغ مذکور را باضاف مضاعف از آنها دریافت داشته همه از او هشی اساطع و خاک نشین میسازد اکثر یقه خود را در لباس نفور پوشی پس برده سایرین هم او را وایه تشکستی و السره والی متزوی میگردد فرج اول وزیر بر حسب استعاضه میرزا فرج له وزیر میرزا هدایت الله امین صلح محمد یک با اوامد خود در امیران اوتنه می دهد آنها آتای محمد شب فراموشی وجهه دیک را با خانه و کور و پنهان میگردانند میرزا جعفر پس میرزا هدایت الله که در آن روز بگریک بود با وجود مفر سب با یکدیگر مزور و بیاد تصادف آنها رفته در بین راه با آتای میرسد پس از مختصر زین خود میطلعت یک بطرف شمشیر مجروح و گیک کوچ (امب) را عودت داده چند محسوس و مجبول راهم که از امین آمده بود در ناامیر کرده و رالی می فرستد.

والی و فر آتاپار که بگی لطفعلی یک و دیگری آدم حسینی خان والی زاده بسوده از حله صحر عاری میسازد (حسینی خان هم در آن هنگام از پندر برادر خود روی گردان شده با پنهان زبانه و وقت تلفظ شده است) در تاریخ ۱۲۴۵ شاهزاد یک کرد مشهور (میرزا اولاد) در نواحی کوی وحیر و میرزا اولاد سلطان برافراشته پای تاخت و تاراج میکند اردو سرحدت ساروجی و مگرکی بیجان را هم بتصرف در میآورد چنگ از میر روانسز دریاخت میدارد و کرده میر روانسز را منوم و رالی و حیر او را تائب مینماید باختره سی هزار تومان بدستون حیر و خسارت چنگ از میر روانسز دریاخت میدارد و کافه قاف و امان بار میدهد و مراجعت مینماید و مورد عواطف و تحسین ماوکا واقع میشود در تاریخ ۱۲۴۷ هجری پس محمود پاشای پانان از سلطین پشایان برداش و گردان شده پنهانده بولت ایران میشود سیسالار ملوکانه خسرو خان باسیام اردلان او را سلیمان برده استقلال میدهد و سلیمان پاشا بدار السلام بندد میگردد و رالی با کتاف استغرا موجب مراجعت مینماید در سنه ۱۲۴۷ حاج ذبیح سال الدین غلغلی و امام حبه (مدبولف) دیوالی منیر میگوید که کنن الی انالی با (الانلق) یا (الله حاجتی) و اشال اینکوه کتاف نیر متزوج چهار تن آتیز که گویند از ذری نعمت و نظاره میگوید که بعضی مستازم سلطنت و ادات و اصلاحات زکست ریز هیچک از ایامه اله با طایه مدلهاب قائل بان نشده اند همه از طفا و منایع طریق متفکران کرده برسد او شوروی با معانی نوده همراغه افغومی کتند که امام حبه کافر مشهور دیگر بیشت سران و اخوان نماز حرام و قتل از برابر با معی گریسه

خسرو خان تاقم پس امان اله خان والی در زمان اختلال مزاج پدر سب ثابت حکومت را دافته است پس از فوت پدر در چهار ۱۲۴۷ هجری با حکومت کردستان رسمیت پیدا کرده است خسرو خان محسوس پیش شترین کتاری بوده طبع هم داشته خط نشانی را و نیز خوب بنیفته است در بیل و طار هت مشهور و در سن و نفورم کلا متحصص و خربا نائل بوده است .

در سنه ۱۲۴۷ حیدر سلطان اروا می و محمد سلطان اروا می بولای استکلاخ اروما سر از بده اطاعت برن کتایه و طلیبان و باغگری میگذراند . خسرو خان برای سرکوبی آنها محمد خان مرتکک برادر خود را با سواره خام اردلان روانه اروما می بنماید پس از رسیدن اشراخ نابره جنگ مشتمل شده آتای جعفر اردلان کشته میشود نل و پس جعفر اردلان کشته میشود و روسه یکدیگر و مستکبر اشراخ برادر حیدر سلطان را در دستگیر اول با ابتغاش حاضر می میکند حیدر سلطان ناچار خود را بنیوان روانه افغانستانه که بوسیله شاه تومار نظام مدد میسازد و از مدد گیکه ساخته در میان او همیار عم میسازد و با او متفق و مستکبر و نسبتی طمه شایع میشود بفرساغان امیران باقی شده پس با یک نظام حله مستکبر کتافه مستکبران برده با زادش و برهنی میسازد چندین بار با همرا هاش از کتاف خارج میسازد هنگی و دربار کتافه و حیدر جبار زور میشود محمد خان مرتکک پس زوروی پس از اینت مع در آن اماکن مانده سپس باقی نامت زیاد بنده در مراجعت میکند . در سنه ۱۲۴۷ قسطنطنیه و ملا در کردستان شروع شده بان با جان برابر گشته است فریب در کوچ و برین مانده و رفته و رفته انشاده از کردگی جان برده اند خسرو خان مقدر بنیامه مرار تبار کتاف و سایر حبسوبات از اهلر دافته ناچار همرا بر مردم مطابق همه روش نسبت و توزیع کرده و از هر یک سده گشته که پس از قسطنی قسمت آتاپار برانته از این اقدام برده امانی کردستان از آتش قسطنطنیه و لا صورت گرفته جان از میدان علاکت به علت در برده اند پس از نجات مردم از آن بایه جانسوز و عودت آسایش از اردلان میرزا فرج اول وزیر آن استناد را از دستش آورده له اولوات که دفع مغالیه نایبند خسرو خان قیوبرا از دست میرزا فرج اول کرته آتش آتای و بطاری میسازد و همه از میسوزان و امان را با این پیل شایان که متجاوز از دویست هزار تومان بوده شان و مستکبر میسازد .

خسرو خان با برادران خود خیلی بد ملوک بوده است بالاخره همرا او هشی متصف با او به نایب ذلت بود بعضی خلکت شاهده است .

در سنه ۱۲۴۷ محمد یک و معطلی خان والی آنها را بستنار و دانه تنبید کرده بود پس در ۲۷ سال کتاف غربت و ذلت بود در پی بر حسب اراده والی مراجعت نرودان ملیحه دیک نیز که شاه اردلان خسرو خان بوده است نهایت

ملک شزل گردی گفته حسن بوق

له گرمی لعلف مولوده به با تم له له لاوره و سرما وای بود سرمایا با کسم به سرمای بکک بوگی و صراوتد کتفوی ذریه ز ستان زمستان چون بری خست اتفاقه هیزی بی تالی خلات شاه نوروزی اشاره آتش انسوروی نسیم هینای به داسوزی که سوزی کس جفای ای سحر هوروی توچی زده توپ برنوز و غلام باران باد پیش روو طایفه ترزه و فراشی دی بی بای بنفته بو غلامی غالی خوبان گردی کج ارد بود و چه کس مومن فری سجدید به سیاهی بزم دست بوسی زده دستغاه خدست قام دمو مقصور نسبت وک کسی برست میباید نفس دیده در آب و مساوربست جرك آتش کلامت ته اگر سمانی لکرتم آرزوی چای بمش شای سراغ ابرین له شوق بو ایا جانها حسین سوتا و کوا اینز نیز انام بزوانی اشراخ نوق را آتای محمد محسوس وزیر (کاتب) از دستغ ارسال داشته اند

نویسنده: جناب امین زرگی نیک ۲۰ - ترجمه و انتشار: آقای ابراهیم نادری

مشافیر کرد و کردستان

پس از وفات غلیبه (والشاه) در محرم سال ۵۶۶ هجری تمام مسند در قبه خاندان و حکم وی درآمده و بر شترها اسم غلیبه عباس و سلطان نور الدین خوانده میشد و بسیاری ترویج مذهب تشن در آن کشور نمود و جبهه بالغ نمود.

سلطان نورالدین در ۲۶ ذوالحجاء ۶۶۶ هجری وفات کرد و با وفات او میدان برای تومس حکم و نفوذت ملک انامر باز شد ولی با وجود اینکه تانافوت در وقت وی بود باز خود را تابع اوامر پسر نورالدین بنی ایلک صالح اسمیل بن بدانت.

امیر اسیرالدین برادر سلطان نورالدین ملک صالح اسمیل را سخت تهدید میکرد و خیال داشت کشور پرورداده سلطه در تصرف نماید ملک صالح اسمیل ناپاک شد و از ایلک انامر تقاضای کمک و مساعدت نمود و در سال ۵۷۰ هجری بود که او در یک روز پس عهد ای از پیروی خود بزرگ ملک صالح اسمیل آمده و پس از تسخیر شام اسیر سید الدین را تا نزدیکیهای (مصر) رسانید و تحویل نمود و به حلب مهربانانه امنت شهر را محاصره کرد ولی منظور خود در این قسمت سرگرمی کسان بود که اوامر ملک صالح اسمیل سرپیچی کرده و بر طبقه وی صیان نموده بودند.

فرزاده ای پنهانی بن امیر حسین وزیر ملک صالح اسمیل و اورویان را پیش قدمی نمود و میخواستند ملک انامر را از ان زمین بردارند ولی در مخالفت رضایت و کاردانی ملک انامر این فرار دادند و به نتیجه مثبتی برای آن نرسید و در ۱۹ رمضان در نزدیکیهای (حما) بیروهای متخاصمین سخت شکست خوردند و متواضع شدند و در مرتبه دوم امین نورالدین از میان رفته و شام را غلبه و یک سال بعد در دادگاه مانده ملت و غیره شکست خورد از دیگری تصرف سیاهستان ملک انامر در آمد.

ملک انامر پس از قفد صلح در سال ۱۲۷۵ میلادی به نام مرچانت گردید از طرف غلیبه خاندان برای دفاع از عیاشی به لقب «سلطان» مناصب گردید و بدین ترتیب به آزادی در دست خود نال آمده و برای اولین مرتبه بتابعرد پسر خود در آذوقه و از ایلک انامر سکه زانو و مشهور گردید و اتمش او بر ممالک میوهاند و پس از هفت و با مساعدت بردارش نورالتوجه دوطبقه تسلط خود در آورده و در مسمر مرچانت کرد.

چندی از این بازگشت نگذشته بود که شیر سید مرچانت شورش کرد و بر برابر بیروهای عیاشی شورش نمود و ناپاک لافانچه به شاه مرچانت کرده بود و پس از نزدیکیهای اوردها را تصرف و رسایید و به جنگهای که در ماه جدی الاخر سال ۷۲۷ هجری در کوهستان و اورویان روی داد و غلبت زایدی منضم شد ولی چندی نگذشت که سلطان به تسلط آمده و چون اتمام حجت از آن شهید خود را وارد کرد و جمع آوری

و تسخیر پیروی خود پرداخته و در جنگ بزرگی که بین او و اورویان روی داد شکست سختی به آنها وارد ساخته و همه زبانی از امر او و بزرگان سیلیی ها را به اسارت گرفت. در جنگهای مهم و مخصوصا جنگ (مرچالدین) بیروهای آنان را بکلی از پای در آورده منسوب ساختن سپس هازم شمال الجزیره شد و از شمالین-النهرین نیز گذشته و خلک ارامنه را نیز تصرف خویش در آورد و فترت دادی نیز بین امراء مسلمان منصفانته و پس بعد بمصر مراجعت کرده مشغول آبادی و عمران در داخل کشور پیمانوار گردید.

ساختن آنها و آثار بسیاری از خود یادگار گذاشته چون افرات شامل نمود از راه فلسطین هازم شام شد و از آن جا متوجه شهر بیروت گردید و اقامت شیراز محاصره کرد و چند متوجه وصل گردید و پس از محاصره این شهر شش ماهی ستیجار و دیار بکر را تصرف در آورد.

در این موقع بود که غیور سید امیر صادالدین که مد از فوت ملک صالح حاکم شهر حلب صاحب شده بود بسا از اورویان شتر خورده شد و بر علیه سلطان قیام کرده است.

تاجیار سلطان از قنوسا خود در موصول مرتضی تر کرده و رو به حلب هازم گردید و شهر عیاش را تصرف کرده و اطراف حلب رسیده امیر صادالدین تقاضای صلح نمود به این شرط که ستیجار و تواج آرا به سلطان و گذار نماید و فقط حلب در دست خود شود باقی بسا.

سلطان پس از حل موضوع حلب به جانب فلسطین روان گردید و اورویان را شکست سختی داد و برای مدت چهار سال بیسان صلح با آنان متوقف ساخت. زیرا استخاره سلطان این بود که از فرمت استفاده کرده موصول را تصرف نماید لذا برای دومین بار به سامرا امین شهر برداشت و در ۵۸۱ هجری حشر فریاد منین حاکم شهر اطاعت نمود و به سلطان اطمینان داشت و این فتح و پیروزی توفیق خود و در اردشال جزیر تومس واده و کشتن از کردستان و اسیر در تحت تسلط خود داشته باشد.

سلطان صلاح الدین در مصر غوزاز مقتدرترین و با نفوذترین ملایطین شام میرفت و تصرف آرزوی که برایش باقی مانده بود تصرف فلسطین و خارج نمودن اورویان از سرزمین کمان بود.

سلطان صلاح الدین در فلسطین در ۵۸۱ هجری حاکم شهر کرک بیسان کشی کرد و به پکنانه از حجاج اسلامی که مازم سکه بود مدینه

«ناری» میگویند

ای کردی ستم دیده مغلوبی بسا چار و می ملی مسوموی بیضنی گرفتار تا که یاه عتوان یابود و دشمن هو بیچار تا که ای هرست بیخون خلق هوشیار خوتان آ که به منصفی محرم و گزینار

عالم هو دشمنی تلاش و دستور بد هر کس به خویشی سامین خوبه و کورده محسوس هو جن و حوتون ملتی کرده هر کرده له بر جمل و نایان شون زودخوده ماتم زده و سوگو و پریشان و گرفتار

و اومت و فرمانه له و پیش که یون یون و ای شاهو عالی طانه اوساکه زبون بون از غلغه بر جاوی خلق و کاجیون بون هشتان له شهوی غلت و دراری فنون بون ایستا که هو پکنار و شاه و حکمدار

کردن ای بی هر عیدو غلامی ما و این بیوش و سراسبه له قوی خلق به دومین روزو کوی ایاوره به شه و مسی شه یون چاویان له مولوی به به پاپین به به و این بی علم و جگر پاره و معزرون و غفتیار

بس طالی تالانی بگو کشتنی پک بیست بس مابلی فونانی بگو مردانی پک بیست بس جامدی به ستم و دست بستنی بین دشمنی برانی و کو کشتنی پک بیست هردست و بله بین و کو ایبار

شهدی امو او، پزیده درهانی کشته

ای بی خیران بسیه مانی چاکر و بلده اشعار فونرا از آتانی غ د از سفر ارسال دته اند

نموده بود و پس از آنکه آنان را بکلی غارت نموده نمود ظلم و ستم و بی احترامی زبانی بر نسبت به آن مرتکب شده بود.

این بیسان شکنجی و آن تارناستیت به مسلمانان نظر سلطان را انداز گردان آمده لذا با پیروی موم هازم آن سرزمین گردید و (ماریه) را گرفت و در ۱۶ ربیع الاخر سال ۵۸۳ هجری عالی اورویان را (هوتین) شکست سختی داد.

در این جنگ پادشاه فلسطین و امیر کرک را نیز اسیر نمود و در اثر این کتخ و ظنر بود که پرچم پیروزی در دست سرتاسر فلسطین به استثنای قفس و مورد به اقرار درآمده ولی اندکی بعد در ۱۷ رمضان ۵۸۳ هجری قد را نیز تصرف نمود و آورد و به آزادی در برین خود رسید.

حسن سارک رتار و مهربانهای سلطان با مردمان میسین این نواصی به تعویذ بود که گلبه مورخین عربی از وی تشریف و تسجید نموده و جوامردی او را ستایش کرده است.

بلاشو روان عصر اتم

بسیار از صفحه ۳ نیم آن میروود رفیده کرد زید شلان چا پاره ای فرامتهجان شیرین بهروردی بیفتاد لیبات از ظلم و شکنجه برای کسب آزادی گفتار و قلم برای آسایش روح و امنیت جسم - برای سرفروش و بهداشت - برای حق زندهانی آبرو مند - برای خاک تپان - برای طبع اشعار - برای شکران قیام کرده آنگاه شش چاروان سببین فروش و نابود اسیران ماینگار و علم کرده و با تهر و عقب دادخود شارا بگیرد.

به خویش سران و مهربان ایران عزیز ایل از بیادش چنین نهفته کرده و برپای و ناله های جانگوار نوم کرده توجه و رسیدگی نموده بیسرام دولت ابد و ارضان سازند.

در پایان لازم است بیلت بسبب کرد مزدومدم ستاخیز بزرگ آزادی که فرشت سادزت و نیک بیخی و آرزوی که بر روی سندهگان و دستنگان آسایش آنگاه و زمان فلسطینی و اشغالی و غرضه غلغله ستمگری برای تهرمانان و کتخ و مشت زدن و دستکوبان و کتخ و منتان سیری شده است و بسا وضعیت خواب و رفتگان همان است که بود حال دو بر گزینان این دو طریق آزاد ستاخیز.

در ایام گذشته مردان بزرگ شما شهرت جهانی داشته اند آیا بر شما بی و دیگران هم بشناساید

دراطرف قرارداد ترکیه

بیش از صد نفر
 مملکت مجاز و اصولاً امر خطی غایت است نه تنها از مردمان مصر بیست بلکه از همه جاندارها بیست انتظار داشت و هیچ قوتی را بیرون کشور نود که مانع از این تلاش نبود.

و خصوص آلمان عالی و حرکت شاهزاده کردی ترکیه صحبت های زیادی شده است لازم نیست نام تکرار کنم. مات کرد مانده هم جنس خود جملات دیگر بشر آزادی زبان، ناسین بر زندگی داشتن فرهنگ و انکشاف اقتصادی خود را خواهان است. خوبی برای ترمیم پایه های کاخ آزادی به ملت لازم است بقدر کمات ریخته است و نمایان است که در آن راباب از زمین خون مشابه ندارد.

پایان کرد در قرن های خیلی قدیم اسلحه مارماریونی طور میانه بردوست داشتند و همایشان امروز هم کجینده میسر میسرین نیست را در آغوش دارند. از وضعیت جغرافیایی کردستان را که مانند هلال شمال و شمال غوری های حرب را گرفته و اوضاع این قوم با باقی اقوام آسیای دیگر از خشکی قطع کرده و راه وسط اسیانک پان توراویسم ترکیه گرفته و درآمدهای بیشتر به تبلیغ فلسفی و حتی دریای میادیا هم بااصل داده با یک دست است فلذا و به احوال دیگر دروازه ها در گرفته است در یک نظر یکمیر میزوانیم با اهمیت سیاسی و اقتصادی این منطقه می پریم.

شاید کرده ها پشان و با به جنوب تیم آرا دارد که موازنه حساب ترین است زمین و آثار خود باقی مانده ای راه های تریه را نقل در آسان صلح و معاینه جملات باشد.

با این اوصاف است که بهیچرا استعمال آزادی هیچ طرف توجه خاصی ندارد خط خواستار آزادی خود بوده آرام امروز از وجهان آزادی خواه انجمن مله و ملت انتظار دارد از هر طرف که وادارونی خود طبعی بنظر میاید که یار استان او را بروش گیرد.

انجمن مله ملت حق به پای های کشورها و پیشوایان زیر کترین دول است استوار است به ملت مطلوب بوده آزادی داده و حکومت عالی که در آن انجمن مشورت دارد از همان خود را آن دستورهای مله اعلام کرده و جماعت شرافت پیشی ضمانت کننده ادعای او است.

استادین صورت دلیلی دیده نشده که ملت اسیر در ملی شدن این کشور تهروری بدل وادار معنه متاسفانه قرارداد ترکیه و عراق کشیده محکم است که بریشانی فرشته آینه جگانه های مظلوم فرود آمده است.

با پیام های کردیهای شواخ از ایران مفاهی خود این کشور است میان دو برادر که باسین نصی طرین زین استیود نام کرده ولی اگر مدفشان سفینا طر نمازی آزادی بشری بیست میسر شده منطبع در فاموس دول سنای آزادی چیست. اگر منظور آزادی دولت ها مشکله بوده بیست بان آزادی بشر نام کرده ولی اگر مدفشان سفینا آزادی بشر است پس چرا به ادعای ملی رسنه که پروراسله از جغرافیای انسانی که آزادی تکرر و تحصیل پر زبان اجدادی است محرم نگاه داشته شده اند.

روزهای ۳ نام آزادی ملی در خصوص تبلیغ شالیان از فوای شوروی نام کرده امین سر که هاپریاب و هده دیاع از اسوق ملل خریف داده میشه دولت های ترکیه و اعران برای غنه کردن فریادهای مظلوماه آزادی ملت کرد ملای کرانی نوده فر راهی داده و بی پرور به چپانین هم اعلام نودمانده هر چند چله و زانین آرایش منطقه مرزی ظاهر فرینتیه موشیه به حمایت شوروی امنیت داده اند اما در نظر اشدش مطامع نیتوانند منظور اوسول را برده پرفی کنه اگر سفینا این دو دولت مسیبا به میخرانه نه تنها در منطقه مرزی خود بلکه در تمام خاروبیه آسایشناوشیت سکفرما باشد خوب است مطبع عنوان ملل متنقده حقوق ملی بشری کردوا فیول و احزاب کنته.

کلیه اختلافا را زاید اجتناب است یک شمش و با چاه آزادی و رواست وقت بسلی دست نیتونه که آسایشترین و چه های خود را هم مختل کنه بیچاره آسایش منطقه مرزی ترکیه و عراق منقل شود برای اینکه این منطقه ترکیه های ایرانی زیاد مسکون است در دست دولت های ترکیه و عراق اسیرانه و با ادعای تورانی و سامی مناسبتی ندارند.

کرد های ترکیه با اینکه قرن های متوالی در خود شوکت و عظمت اسیراتورهای شاهی جاپان بازی کرده اند امروز بویچ قانونی که از مجلس ملی ترکیه که تدوین شده نه تنها از خواصن و رفوشن بر زبان میسر مبرونه بلکه از هر فرد و زبان اجدادی خود کرده می محروم و حتی نیتوانند خود را هم کرد بخوانند و بواسیل مختلفه ترتی ساز گرفته شده است که پرور از میان بروند.

دولت های که در مجمع ملل عضویت دارند می پرسیم خود این ملت بدعتر جی می نامند اسارت با آزادی اگر اسارت تنصیب میماند کسی به وظینه نمایندگی خود مل خواهند فرود میبایستی که منول ما چند مد سال

تالیف - لوسیول مارگریت
 و دکتر ک. ۱۰

پروسی در شعر و ادبیات عسکری

بشیه قصیده بهاریه حاج قادر
 میور و پرور غمناکی و اردک و روی بر که های بلکنون
 نظیر حرکت ماه و ستارگان در نلزم میبناست
 صدای غلغله و پرورش آب های صاف، از روی سنگین، مانند وزش نسیم روح بش
 گیاههای داغل جویبارها، از روشش نظرات شفاف آن فرید، و باسرت آن در اعتراض پیدا، از هوا صدای قهقهه های منظم کلنگ و گروه های موج خار میاید، کیکها در پیروز و شاهچین ها ترمه میزنند
 از صدای زدن و با بر زمین کوبیدن گلار کوهی، کای زدن دایر لره و کلا آسان هراسناک است، برق و دود تنگهای کاشچای از هر گوشه چون زلف در هم و آخته، از یاد سرگامی هویبناست، در بالا نوحه های آرد در پایین گلهای اشام

تود غمنازه غریبه وطن خضراست شب از بر تو آتش سیاه چادها، ستارگان، ثواب و سوار، دروایی آسمان خیلت زده میشود
 پنداز این همه داستان سرانی بت خواب آلود، مانند از دعای غنچه ششم نساک بیدار شد
 به جوات آمد اما جویای چنات گنه و خشن
 که محال منظره و مباحثه برایم ننگداشت و کشت
 تاصول ارببه مدار زندگیم حوالیه روی زمین هسته
 بهار همه ساله تجدید میشود
 و آنجا به دیار طبیعی و هیسار می گردد
 درنتان صابرتی که بر کشتن ندارد خوشی هر مکان به ساکنان آت مکان است
 کپته هوار (غریه گام) پشت ام، شوق زندگی به دوستان است و آب و هوا
 زندای قدیمی نمانده اند
 جویبارا پیر شده باصلا زامبروید
 از دیوستان نر یکی را بر سرت باز شناسی
 آرم به نشانی بند و بر سارود و خوشبوتهان
 پانین ترسیب اگر بیولایت مراجعت کنی مثل این است از وطن به شهر چایلتا بروری
 (چون قصیده طولانی و در منت فرائسی لفظ فست مغفیری دوج هده بود و ترجمه هم باصلا برای اشعار تا اندازه ای تفاوت داشت باز به آنجا از روی متن کردی یک نسخه «ترجم» قصیده ترجمه شد
 این شاهزادگی است شرافت و تدبیر دینی را مورد طعنه افراد وادار کرد
 قصیده دیگر میگوید

فیل در آذربایجان با گمال سنی دمی لست به مادیاری کوسولج ووا داشته انرت تلخ و خویانرا از ایران امروز بی چنده بیستی که سه سال قبل با دشامان ششانی نسبت به سه کنگه سیر مسلم تابه خود هل میگردد که ترازوی های مختلف در سایه تعبیل زبان و قالب ترک ریخته شود اواده میباشناوروم از گمال شافت در حق کردیهای ایران زیاد میخرانه عملی کنه اگر این ملت برای حفظ و حرامت کتن مالور ناموس خود را هبید در معرض خطر قرار گرفته ملاموتن بخرج هده آزا ورواست که این مدل مشروع و طبیعی او اختلال آسایش منقضه شانتند و

آیا با گنه و مساوت آن و آسایش بهمیه کرده و با بهمیه دولت ها می است که به تشکیل شورویاتی روس و توب و میزاره خود متکی و باستاند آن درجهان مادیات یک جمیع بزرگ بی دست و پا با نودوی خود بی دهنه ۱۰ آیا جامع منته و بیست نفری در مقابل این جلیان مانند میسرین شرفی اولیه و مائل تاریخ که اسرا را در معرض هجوم بیولایت درنده گذاشته تکه تکه شدند تا نزاره نظاره کرده و حظ می برده اضمار شامانی خواهند کرد و با اینکه در تحت تاثیر مواظبت بشری واقع شده شکار معصوم و نجات خواهند داد

مسله کرد مسکی است برای تبیین علاوه مجمع ملل به آستان مطبوعی و مسکی است برای نمایان داشتن پروردگار سعادت زمامداران دول و پایه بودن آنان بحد ضرورت شرافت قول و بیانات جامه و پیشوایان بزرگ خود.

کلیه اختلافا را زاید اجتناب است یک شمش و با چاه آزادی و رواست وقت بسلی دست نیتونه که آسایشترین و چه های خود را هم مختل کنه بیچاره آسایش منطقه مرزی ترکیه و عراق منقل شود برای اینکه این منطقه ترکیه های ایرانی زیاد مسکون است در دست دولت های ترکیه و عراق اسیرانه و با ادعای تورانی و سامی مناسبتی ندارند.

کرد های ترکیه با اینکه قرن های متوالی در خود شوکت و عظمت اسیراتورهای شاهی جاپان بازی کرده اند امروز بویچ قانونی که از مجلس ملی ترکیه که تدوین شده نه تنها از خواصن و رفوشن بر زبان میسر مبرونه بلکه از هر فرد و زبان اجدادی خود کرده می محروم و حتی نیتوانند خود را هم کرد بخوانند و بواسیل مختلفه ترتی ساز گرفته شده است که پرور از میان بروند.

دولت های که در مجمع ملل عضویت دارند می پرسیم خود این ملت بدعتر جی می نامند اسارت با آزادی اگر اسارت تنصیب میماند کسی به وظینه نمایندگی خود مل خواهند فرود میبایستی که منول ما چند مد سال

اگر به آینه در خشان
 فرزندان خود علاقتمندید
 و غم میخوراید در زندگی
 سعادت مند باشند در با دوستی
 کردن آنها جدیت کنید
 سرشوت جامعه بی سواد
 بندگی و بردگی است

آنگی
 اداره روزنامه کوهستان
 وجوه اشتراک سال ۱۳۴۵
 را می پذیرد
 اگر مستکثرین در ارسال
 وجوه اشتراک تسریع فرمایند
 موجب امتنان خواهد بود

آنگی که
 و موجب ناسف اگرام هم بیاضه باشتی

کوهستان

گردستان...

بعد از آذربایجان

مجلسه انجمن صیقل چاپ فابره، تحت عنوان نون مقاله نمایی نگاهت و روزنامه الجهاد چاپ فابره حیناً آترا نقل کرده است ما نیز ذیل ترجمه آترا از نظر مطلع ساختن خوانندگان خود چاپ می نمایم

در این میدان بر طرفان و پسر حواد دنیا، مثنی قیام میکند... مثنی که با قیام خود بیوستگی می کشد؛ مثنی که مرغان و پریان را شته با تهدید مینماید؛ مثنی که با این قیام غم ناک و مست مینماید... مثنی است و دلیر و کینه جو، مثنی که از بس غفلت ناک و کتون به جنگ و نبرد هلاک کرده و جنگها را یکی بعد از دیگری ببرد.

شبی که منظر میرسد هوروی باشد در پشت سر این ملت فراتر کرده و مثنی را که ضد نابودی آکراد دارد از بلل باین منظور سامت میکند

این است حق قیام آکراد در حال حاضر

آکراد ده ماه مرتب قیام کرده اند هرگز دیده نشده که فراره قیام آکران صلح جهانی را تهدید نساید اما این مرتبه ۱۰۰۰ شهادت...

چسبت کرده پیش از پنج ملیون است که بطور تقریبی سنه دست، از شمال هندوستان تا آسمان صیقل زنده می کنند. بیشتر این چسبست در ترکیه و گایه سکا هرات، ایران و ترکیه سکونت دارند در عراق ۶۰۰۰ - در ایران ۳۰۰۰۰ نفر و در ترکیه یک ملیون و صد هشتاد آکراد ترکیه در اثر ظلم و تعدی دولت مذکور به روسیه رفته و شماره آکران به ۱۶۰ تا ۱۸۰ هزار نفر میرسد ولی مدتی قبل آکران و ابراستا بیکنک آسمان صیقل می نمودند. اینجاست که آکرادها جمع شدند و جنگجو هستند. این آکراد روسیه و ایستون قانون زنده شدن روح این ملت دادند که در داخل روسیه دارای قیامی بودند آرمستان، کرجستان و فنزاد بوده اند.

کردهای عراق مرتب تر و منظم تر از سایر کردها هستند و شماره آکران فقط در بغداد به سی الی چهار هزار نفر تعیین زده میشود این مردمانی زینت و طال بوده و در زندگانی سیاسی - اقتصادی و اداری و حق انانیتس سزای دارند.

در شام نیز پیش از صد هزارانه که در اوامی مزیی مومن و ترکیه سکونت دارند.

بیشتر آکراد مسلمان هستند و اقلیتی هائی مسیحی و یزیدیه در میان آکران یافت میشود.

کشورهای جهان - پس از چسبک

آذربایجان یکساله داغ
تک نفرش داغ و ریاض
محل اداره: تهران خیابان پیلور و پروی کویچه پارسا رستان پهلوی
تلفن ۸۳۹

توجه فرمائید
اداره روزنامه کوهستان
از محل سابق به خیابان
فرودسی زویروی بانک
ملی انتقال یافته است

زیراسبه انستد مرکز سیه رضا کماست
مرو زمان و رشادت های سیه
رضا و پارش که بافت زست دولت
ترک شده بود در میان آکرادها سکس
پانت - سه نسبت باورانه خاص داشته
و روح آزادی خواهی او را تعمیری
نمودند و پهرمان نیز صرف کردید.
داستان های تاریخی در باره او - بدل
می نشت و تجربه در این است که این
شخص و پارشش پیش از صد سواریدند
ولی بعضی با مهربان حرات رشادت
فالیقت خود را ادامه میدادند که هر یک
از آنها نامد نظری این گفتگفت نشی شد
همه ای از آکراد که به روسها
مایل بودند برای بدست آوردن مومن
و آزادی از طرف آنها تصحیح نمیدانند
منظور دولت روس از این سیاست این
است که در میاجرت مرزهای خودمل
خسبک که خوششان پایمال شده روی
کار بیاروندند، نظری را بسایند و غیره
این نمیه با روی آکران - جمهوری
آذربایجان - در شمال ایران کلا روشن
و برین گردید روسها استقلال شدند
برای بدست آوردن استقلال آکران بین
خود و ترکیه کشاکش کنند.

روسه میدان که دولت عراق و
ترکیه حاضر بخواهند شد مطالبات آکراد
را بدهند زیرا با ترتیب آکرادان
تغاضای آکران از آکراد و ادواس
حراق بخش بزرگی از ترکیه بخواهند
شد. ولی روسها به روشن شدن دعوت
آکراد علاقتند.

همه ای از آکراد چون میدهند که
آزادیشان در روسیه ثابت است بمان
کشوروی نماندند در بین مناطق کرجستان
و ارمستان و مهران زبانی ترک آکران
و غرب افشان که در غرب آکراد
آغاز گردید.

کشورهای اروپایی و شوروی و شوروی
نظر فرماهند و برنگان کرد را بخود
جاب مینمایند از جمله این بزرگان امیر
بدرخان است که در بیروت با قوروی
روابط نزدیکی دارد و از کنگه های فکری
آکران نیز استفاده می کند.

امروز شورویها شروع به تشجیح
کردهای داخل مرز کشور خود نموده
و برای تشکیل دادن دولت مستقلی آکران
را آماده می کنند.

آکراد فاضالتی از جمیع پوتندام
نموده که به آن اجازه داده شده
دولت مستقل تشکیل دهند و مطالبات
خود بجز با مشاری آکرادان و مطالبات
جنس و روسی دولت ولسی چون دولتین
اشکس و آمریکا حاضر نشوند. مطالبات
آکران را بدست آکراد شروع به قیامهای
مسلحانه نمودند هرگز این قیامها امروز
مرزین های مرزی ترک و ایران است

۲۰۰ دیال - خارجه ۵۰۰
خارجه ۵۰۰
دیال ۲۰۰

(هدالت اجتماعی)
غایه بشی از اشخاص مسووم کتسه
هر کس که از عمل مسووم مسووم کتسه
از وظیفه واجبه پادشاهان بیان آمده
است و به دیگران ربطی ندارد و اگر
کسانی هم در این فرضیه مسمیه بافته
باز هم محمود به سوانتی سلطنت است
که آئین از وزاره و امراء و حکم
و نقضت تجاوزت نخواستند نمودند
که چنین نیست و بلکه داد بکی از
اعضای طبایف عمومی است که موضوع
و اهالی و ادانی و صبر و کبریا و
حسن ابراهام اول مومنت کابل شامتا
مصحفی که در آن امراء جاتان کتسه
قابل زندگی باشد.

شیخ ابیر سیه ابوالعیر در کویچه
سرگی زارید که گرفتار آکراد کولان
شوروی شده است آترا از شکستگان
آزاد کرد و آنگاه، روسی و برینده خود
آورد و ترک کرد که روسی بدو
درد کهر گاه بدست کتسه مومنت خود
گرموش به سبابت آن قیام و با افغان
مقتضی اقدام می کند دیکس ممان است
که به آدم شود مومنت چنین محلی
بوده و اچ سکومت اداره خواهد شد
زیرا افرادی که از خود مردند و بلول
کتسه از خود مردند و بلول مومنت
و به یک گرمایند و آکراد کتسه مومنت
باشد عیث حا که آن خوب خواهد شد
و اگر بد باشد انتظار خوبی از آن داشته
ندیم کتسه است محظلت کتسه است
شیکر و شورویها و آکراد کتسه
بهمین مومنت کتسه است کتسه است کتسه است

آست که در قلم
بنا بر این اگر مثنی بخواهند حکومت
عالمه باشد باید بخواهند خودمل
باشد و گرت

و بیشتر خوب از آن بدون کتسه
کسی و غرب افشان که در غرب آکراد
نیز در این باب سابق است که
هر کس بریزر دستان داد که از
زیر دستان دادیدت مولوی بفرمایند
چونکه بدگری بر این پیش
چونکه تمام است و برود است

ولی چون دولت ترک بر این پیش
این قیام ها فالیقتی فوق العاده ای
دارند ناچار از محیط ایران استفاده می
کنند و ارجحاً احتیاجات خود را نیز از
روسها بدست می آورند

بدین ترتیب است که پس از تشکیل
جمهوری آذربایجان در شمال ایران
امروز موضوع کرجستان پیش از این مسووم
و این موضوع بسیار خطرناک است
زیرا بحقیقت مملکت دولتی است که
و ایران را تهدید کرده و دولت
چرا کوشش نماید

این است قیام خطر ناک آکراد